

۳- رابطه ی بین موضوع و محمول امتناعی است و وجود موضوع محال است. مانند شریک خدا وجود دارد. ؟ ممتنع

الوجود مانند شریک خدا

درس چهارم

۱- رابطه بعد از وجود را با مثال توضیح دهید؟

رابطه بعد از وجود: این رابطه بعد از وجود اجزا یا طرفین رابطه فرع بر وجوب رابطه ایجاد می شود و همیشه رابطه فرع بر وجود رابطه و قائم به دو طرف رابطه است. مانند: قانون نظم ، که تا اجزاء مجموعه نباشد رابطه نظم ایجاد نمی شود. هم چنین رابطه متعادل ، اتکاء ، جاذبه و...

۲- الف: رابطه در خود وجود یا حین وجود را توضیح دهید؟

این رابطه درست در حین بوجود آمدن دو طرف رابطه بین آنها برقرار می شود مانند: قانون علیت که درست در همان لحظه که علت به معلول وجود می بخشد این قانون بین آنها حاکم است.

ب: علیت چگونه رابطه ای است؟ توضیح دهید؟

۱- کهن ترین مسئله فلسفه است.

۲- مهم ترین عاملی که انسان را در تفکر می اندازد.

۳- تمام هستی معلول با همین رابطه و قانون تحقق می یابد.

۴- در این رابطه وجود داد و ستد می شود.

۳- علت را تعریف کنید؟ «علت آن چیزی است که معلول در هستی خود به آن نیاز مند است»

۴- نظریه مقابل علیت چه نام دارد و چرا از نظر عقل قابل قبول نیست؟

صدفه یا تضاد درست نقطه مقابل اصل علیت است یعنی:

۱- بوجود آمدن معلول بدون علت خاص. ۲- هیچ نظم و قاعده ای در جهان نیست.

۳- هیچ شرطی در عالم نیست یعنی هیچ چیز شرط چیز دیگر نیست. ۴- قبول صدفه یعنی خط بطلان بر تمامی علوم

و دانش ها.

۵- قبول صدفه یعنی شکاکیت و سوفسطایی گری است.

۵- ملاک نیازمندی معلول به علت به چه معنی است؟

چون در فلسفه بحث از کل جهان هستی است در این مبحث هم وقتی از معلول نام برده می شود منظور کل جهان

هستی است. (تمام جهان هستی اعم از ماده و غیر ماده به عنوان یک مجموعه واحد). و سوال این است که جهان

هستی به عنوان یک معلول به چه دلیل به علت نیازمند است؟

۶- حادث و قدیم در عرف ولغت و اصطلاح به چه معنی است؟

حادث در لغت و عرف به معنی «نو» و قدیم به معنی «کهنه» است. ولی معنای حادث و قدیم در اصطلاح فلسفه و کلام

با معنای اصلی آنها تفاوت دارد. مقصود فلاسفه از حادث بودن و نو بودن یک چیزی آن است که آن چیز پیش از آنکه

آن چیز موجود باشد نابود بوده است یعنی اول نبوده و بعد موجود شده است. مقصود ایشان از قدیم بودن هم این است

که آن چیز همیشه بوده و هیچ زمانی نبوده است که موجود نباشد.

۷- فلاسفه حادث و قدیم را چگونه تعریف می کنند؟

حادث: به موجودی می گویند که در سابقه او عدم و نیستی پیدا شود.

قدیم: موجودی که همیشه بوده باشد و هیچ گاه مسبوق عدم نباشد. (یعنی در سابقه او نیستی نباشد)

۸- الف: ملاک نیازمندی معلول به علت از نظر متکلمین چیست؟ توضیح دهید؟

از نظر متکلمین جهان حادث است و همین حادث بودن ملاک نیازمندی آن است (نظریه ی حدوث)

ب: متکلمین چه چیز را قدیم و چه چیز را حادث می دانند؟ استدلال آنها را در این مورد بنویسید؟

متکلمان اسلامی معتقدند که فقط خداوند قدیم است و هر چه غیر از خداست (که «جهان» یا «ماسوی» نامیده می

شود) اعم از مجرد و مادی همه حادث اند.

۹- ملاک نیازمندی معلول به علت از نظر فلاسفه چیست توضیح دهید؟

ملاک نیازمندی معلول به علت: قول فلاسفه؟ جهان قدیم است و ملاک نیازمندی آن به علت در ذات آن نهفته است و

جهان ذاتا ممکن الوجود است و نسبت به وجود و عدم مساوی است و باید علتی باشد تا آنرا از حالت عدم خارج

بوجود بیاورد. (امکان ذاتی)

ب: نظریه امکان ذاتی را توضیح دهید؟

فلاسفه در باب ملاک نیاز مندی جهان به علت هم معتقدند برای اثبات معلولیت عالم لازم نیست به گذشته جهان رجوع کنیم ببینیم زمانی بوده که نبوده است جهان هستی صرف نظر از گذشته و حال و آینده اش ذاتا ممکن الوجود است و شیء ممکن الوجود ذاتا به علت نیازمند است (چه حادث باشد چه قدیم) این نظریه به امکان ذاتی معروف است.

۱۰- علت تام و علت ناقصه را با مثال توضیح دهید؟

الف: علت تام:

۱- به مجموعه ی تمام علت‌های ناقصه ای که گرد هم جمع می آیند تا یک معلول را به وجود آورند می گویند.

۲- هم شرط لازم برای تحقق معلول است.

۳- علت وجود دهنده و هستی بخش معلول است.

ب: علت ناقصه:

۱- به هر یک از علت های مختلف که در به وجود آمدن یک معلول دخالت دارد علت ناقصه می گویند.

۲- فقط شرط لازم برای تحقق معلول است و شرط کافی نیست.

۳- به وجود آمدن معلول به نحوی آن وابسته است ولی به تنهایی برای تحقق معلول کافی نیست.

۱۱- الف: اصل وجوب علی و معلولی را توضیح دهید؟

اصل ضرورت علی و معلولی: علت تام علاوه بر اینکه به معلول وجود می بخشد ضرورت بخش آن نیز هست.

ب: قاعده ی «الشیء مالم یجد لم یوجد» را در نظر حکما توضیح دهید؟

حکما میگویند «الشیء ما لم یجب لم یوجد» یعنی هر چیزی تا وجودش به مرحله وجوب و ضرورت نرسد موجود نمی گردد پس هر چیزی که موجود شده و می شود به حکم ضرورت و وجوب در یک نظام قطعی و تخلف ناپذیر موجود می گردد.

ج: از نظر حکما چرا وجوب مقدم بر وجود است؟

در یک تحلیل عقلی «وجوب و ضرورت» مقدم بر وجود است و نه تنها علت به معلول وجود می بخشد بلکه مقدم بر ایجاد معلول ، بدان وجوب عطا می کند. مطابق این اصل نظام عالم هستی نظامی وجوبی و قطعی است.

۱۲- سنخیت علت و معلول را با مثال توضیح دهید؟

هر معلولی تنها از علتی فراهم می آید که از سنخ و خانواده خودش باشد

۱۳- در پرتو اصل سنخیت جهان در اندیشه ما چگونه است؟

در پرتو این اصل نظام جهان انتظام می یابد و در اندیشه ی ما به صورت دستگاهی منظم و مرتب در می آید که هر جزء آن

جایگاه به خصوصی دارد و هیچ جزئی ممکن نیست در جای جزء دیگر قرار گیرد.

۱۴- چرا اصل سنخیت لازمه اصل علیت است؟

چه فرض کنیم معلول بدون علیت بوجود آید و چه فرض کنیم معلول بدون سنخیت با معلول خودش از هر علتی فراهم آید در هر دو صورت در دام صدفه گرفتار خواهیم شد

در حقیقت همان گونه که وجوب و معلولی از لوازم اصل علیت و انکار آن هم چون انکار اصل علیت است قبول
سنخیت علت و معلول نیز لازمه ی قبول اصل علیت است و هر گاه بخواهیم به درستی معنای اصل علیت را در یابیم
باید به اصل سنخیت علت و معلول پی ببریم.

۱۵- چه کسانی در ابطال تسلسل علل نا متناهی برهان اقامه کرده اند و بنویسید این برهان در چه مبحثی کاربرد دارد؟

حکایی نظیر فارابی ، ابن سینا ، خواجه نصیر الدین طوسی ، میرداماد و... هر یک برهانی بر بطلان تسلسل علل اقامه
کرده اند. این برهین در مبحث خداشناسی فلسفی کاربرد زیادی دارند و گاهی خود برای اثبات وجود خدا به کار می
روند.

۱۶- در برهان فارابی بر امتناع تسلسل علل از چه اصلی استفاده شده و این اصل بیانگر چیست؟

در این برهان از اصل «تقدم علت بر معلول» استفاده شده است این اصل بیان می کند که علت بر معلول خود تقدم
وجود دارد و معلول در مرحله و مرتبه بعد از علت قرار گرفته است یعنی وجود معلول مشروط به وجود علت است در
صورتی که وجود علت مشروط به وجود معلول نیست.

۱۷- برهان فارابی بر امتناع تسلسل علل را با مثال توضیح دهید؟

اگر سلسله ای نا متناهی از علت ها و معلول ها را در نظر آوریم چون همه افراد این سلسله خود معلول علت بالاتر از
خود هستند در نتیجه وجود هر کدام مشروط به وجود به دیگری است که وجود آن دیگری هم به نوبه ی خود مشروط
به دیگری است بدین ترتیب این سلسله علت های مشروط هرگز تحقق پیدا نخواهند کرد ، حال آن اگر سلسله بوجود
آمده باشد ، عقل گواهی می دهد که یک علت نا مشروط (علت العلل) به عنوان سر سلسله بوده است. مثال: یک گروه
نظامی که قصد حمله به دشمن را دارد(مراجعه شود به کتاب صفحه ۳۶ پاراگراف اول) .

۱۸- برهان وجوب و امکان (برهان سینوی) را بنویسید؟

به هر موجودی در جهان هستی که اشاره کنیم یا ممکن الوجود است یا واجب الوجود اگر واجب الوجود باشد مدعای ما برای داشتن یک واجب الوجود در جهان ثابت است و اگر ممکن الوجود باشد نیازمند یک علت است و اگر به سراغ علت آن برویم آن علت هم واجب الوجود یا ممکن الوجود، در این صورت این سلسله ممکن الوجودها لا محاله به یک واجب الوجود ختم شود و گرنه هرگز تحقق پیدا نخواهد کرد.

۱۹- چرا این سینا برهان خود را بهترین برهان در اثبات وجود خدا می داند؟

زیرا در این برهان تنها یک محاسبه ی عقلی ما را به نتیجه می رساند.

۲۰- ابن سینا در برهان سینوی چهار اصل کلی را مسلم فرض نموده، آنها را نام ببرید؟

اصولی که برهان سینوی بر آنها استوار است:

۱- در جهان موجودات وجود دارند.

۲- موجود یا ممکن الوجود است با واجب الوجود.

۳- ممکن تا زمانی که وجوب پیدا نکند بوجود نمی آید.

۴- تسلسل علل نامتناهی محال است.

۲۱- از سه «اصل علیت» «اصل ضرورت علی و معلولی» «اصل سنخیت» به ترتیب چه نتایج استخراج می شود؟

۱- ارتباط و پیوستگی موجودات جهان؟ اصل علیت.

۲-تخلف نا پذیری نظام هستی؟ ضرورت علی و معلول.

۳-نظام معین هستی؟ اصل سنخیت.

۲۲-فلسفه چگونه می تواند مبنای شناخت تجربی قرار گیرد؟ با مثال توضیح دهید؟

کار فلسفه در ارتباط با علوم تجربی:

فلسفه با تبیین قانون علیت سه ثمره برای علوم تجربی داشته است:

۱-اثبات رشته های اتصال میان پدیده های جهان.

۲-فراهم آوردن مقدمات برای شناخت یقینی قوانین.

۳-تحکیم پایه های آزمایش های تجربی به عنوان روش تحقیق.

و علوم تجربی با این سه ثمره می تواند به شناخت دست پیدا کند

۲۳-کلیت و ضرورت قوانین علمی را باید در کجا جست و جو کرد؟

کلیت و ضرورت در قوانین علوم تجربی به وسیله اصول اثبات شده بوسیله فلسفه است(علیت و ...) فلسفه درباره

اصول کلی علوم تجربی می کند و پس از کسب اطمینان از صحت آنها ، آنها را در اختیار دانشمندان علوم تجربی قرار

می دهد تا آنها بتوانند با استفاده از آنها به تحقیق علمی بپردازند.

۲۴-نتیجه ی یک تجربه علمی در چه صورتی می تواند تعمیم یافته به صورت یک قانون علمی در آید؟(جواز تعمیم در

علوم تجربی چیست؟)

علوم تجربی وابسته به آزمایش و در آزمایشات علوم مختلف تجربی نتیجه همان آزمایش برای همان مورد قابل قبول است و به موارد مشابه سرایت نمی کند حتی اگر تعداد آزمایشات زیاد می شود باز هم نتیجه برای همان موارد محدود خواهد بود ولی در قوانین تجربی ما با یک کلیت سر و کار داریم و قوانین علمی همیشه بیانگر قانون کلی و ضروری است و نتیجه آزمایش به موارد آزمایش نشده تعمیم می شود.

جواز تعمیم موارد جزئی آزمایش شده به کل افراد آن مجموعه بواسطه اصول اثبات شده در فلسفه است این اصول عبارتند: اصل علیت ، یکنواخت عمل طبیعت و...

۲۵-مراتب هستی در نظام هستی را از نظر حکمای مشاء توضیح دهید؟

فلسفه مشاء ثابت می کند بین خداوند و جهان ماده فرشتگان بی شماری هستند ، در ده مرتبه که به عقول ده گانه مشهور هستند (عقول عشره) این عقول هم واسطه فیض آفرینش از خداوند جهان ماده هستند و هم واسطه تکامل و رسیدن انسان به خداوند هستند در حقیقت خداوند هم علت العلل همه موجودات است و هم غایت و هدف تکامل همه موجودات و این دو کار بواسطه عقول عشره صورت می پذیرد.

درس پنجم

۱-از نظر فارابی هدف اصلی از اجتماع و گرد آمدن مردم در یک سرزمین چیست؟(رابطه سعادت و مدینه)

رسانیدن افراد جامعه به سعادت است

۲-مدینه فاضله را از نظر فارابی تعریف کنید؟